

# از ما گفتن و از شما نشنیدن " تب فوتبال " تب خطرناکی

است !! شیردل

رفقای سایت ایرانی ما از هر مسابقه که جنبه تقویت فاشیزم ، ناسیونالیسم پوسیده و عربده کشیدن اوباشان مست که همراه با مضروب کردن و کشتن مردم بیگناه ، انجام می یابد ، مخالف است . جنایاتی که عده ای به نام " هولیگنز " یا طرفداران نیروهای فاشیستی در هلند، انگلستان، فرانسه و مخصوصا آلمان انجام داده اند، فراموش نمی شود. لمپنهای متمدن کشورهای اروپایی که در عضویت و هواداری احزاب نازی و نئو نازی بوده ، انسانهای کوچک شده برای تبلیغات نژاد پرستانه برای راسیستها می باشند. در شهر دورتمند در استان نورد راین وست فالن فاشیستهای آلمانی یک گارد لمپن پرولتاریا را به رهبری "زیگی" سالها است هدایت می کنند. کله گزهای لمپن دشمن کارگران مهاجر می باشند و اعتراض عجیب آنان این است ، چرا آنان دارای مسجد بوده و می خواهند مسجد به سازند؟ هر هفته چند نفری از کارگران مهاجر طعمه آنان شده و مخصوصا زنان، پیرمردان و کودکان، که با جمجمه و استخوان شکسته رهسپار بیمارستان می شوند. روزهای تابستان به بندر شهر دویسبورگ آمده و آن مناطق را از شهروندان غیر آلمانی پاک نمایند. کسی که با قطار محلی " اس بان " و قطار سرتاسری در حرکت است امنیت ندارد. رهبر "زیگی" و کچل های او کارگران زحمتکش را که رنگ پوست دیگر دارند، از نیمکتهای واگن بلند کرده و بدست چماقداران پاس می دهند و آخرین نفر او را با آخرین مشت بر زمین پرتاب می کند. زیگی و هولیگنز او جایگاه مخصوصی در استادیومهای ورزشی در شهرهای دویسبورگ و دورتمند دارند و مورد نفرت بخش کوچکی از مردم هستند! و تماشاجی ها دیگر با خنده و سکوت از وجود آن باند ابراز رضایت کرده و حتی به حمایت او بر می خیزند. راسیسم در آلمان وجود دارد و خطرناک است و حزب ناسیونال آلمان (حزب فاشیستهای آلمانی) مرکزی برای گرفتن کادر و جمع آوری لمپنها می باشد. در هنگام تظاهرات می توان دهن های کف کرده و چشمهای گرگهای درنده را دید که به خیابان می آیند. این باندها در تمام مناطق قدیمی صنعتی آلمان و مخصوصا در استان "باور ریا" و شهر مونیخ دیده می شوند. اگر تیم فوتبال آلمان در بازی اول که امروز جمعه 9 ژوئیه است به "کوستاریکا" به بازد ، خواهیم که در مرکز شهر چه حرج و مرجی راه خواهد افتاد و چه خونهایی ریخته خواهد شد! وزیر داخلی آلمان که کار حراست از مسابقات فوتبال را دارد، بارها خطر تروریستها را گوشزد کرده و همه جا با لباس شخصی در کمین نشسته اند ولی همه آن تشکیلات گارد ویژه ( چماقداران دولتی با کلاه خود و اسلحه های گرم و سرد) و مامورین لباس شخصی درمقابل لمپنهای هوراکش آلمانی صبور و مهربان می باشند.

برای چه باید عربده کشید و مرکز شهری را به ویرانه تبدیل کرد؟ و مست و سرگردان به هر عابری رسید ، او را در میان گروه پرتاب کرد و با لگد و مشت بر سر و پیکر او کوبید، تا خون جاری شود. آیا بدین گونه تلافی شکست تیم اف - سی بایرن مونیخ با آتش زدن اتومبیل و مجروح نمودن تماشاجی های دیگر که از هواداران تیم مخالف می باشند می توان جبران نمود؟

ناسیونالیسم پوسیده بورژوازی کشورهای سرمایه داری نیاز به تبلیغات دارد، تا در پس آن با مزد گرسنگی استثمار نماید. باپرچم و سرود آلمان و انگلستان و ... نمی توان ثروت کلانی اندوخت. باید چاره کرد و همانا مسابقات ورزشی و مخصوصا بازی فوتبال بهترین اهرم برای تبلیغات برای بازار کالا ها و مصرف آن است. آگهی ها تجارتي بخش کوچکی از آن به لوازم ورزشی مربوط می گردد. اگر این روز ها به تلویزیونهای کشورهای مختلف و مخصوصا آلمان توجه کنید، با دیدن آگهی ها تجارتي از خنده روده بر می شوید. برای بزرگ کردن سینه های خانمها و برای نشان دادن " عظمت " سینه بعد از جراحی توسط زن ستیزان با توپ فوتبال مقایسه می کنند و حتی بروی لباس زیر زنان و مردان تصاویر توپ فوتبال است . مربی و مدیر تیم "ملی" آلمان هر چند ساعت با یک مو بایل جلوی دوربین می آید و به تبلیغ آن پرداخته. از تلویزیون 47 زولی ال - سی - دی به اصطلاح ساخت سوئی است ، "والاک" فرورود آلمان شوت می زند و توپ از صفحه تلویزیون بیرون آمده و از پنجره اطاق نشیمن شما بدون

آن که همیشه آن شکسته شود به بیرون می‌رود. آجوی بی نامی شهرت جهانی پیدا کرده ( به صورت سرتاسری از طریق ماهواره پخش می‌شود) و دستی در هنگام تماشای بازی فوتبال از گوشه صفحه تلویزیون بیرون آمده و آجوی خنکی را در لیوان شما می‌ریزد و صد تحمیق توده ای برای مصرف کالا را می‌توان دید. ورزش و مخصوصا فوتبال جای مخصوصی در بهترین ساعات شب در بخش خبری دارند. این تبلیغات برای چیست؟ تا مردم وقت آزاد خود را در جلوی شیشه مات تلویزیون ساعتها سپری نموده و به تماشای بازی فوتبال مشغول شوند. بزرگ کردن اخبار ورزشی و پر بهادان به واقعه ورزشی، هدف ویژه ای را دنبال می‌کند و آن هدف تنها برای بت کردن تیمهای ورزشی و ستاره های آن نیست بلکه خرید کالا های ورزشی است. ستارگان خود فروخته که نامی بدست آورده اند، باید تن به پستترین کارها به دهند و در فیلمهای تجارتي، برای پیتزا و سیفون و کاغذ توالت و غیره تبلیغ نمایند. هر روز به شکل دلچکی تبدیل شده و تبلیغ گر تجارتي، او را کوک می‌کند، تا او از خوردن خورشت قورمه سبزی کنسرو شده در قوطی حلبی امام زمان به به کند!

الکل و فوتبال دو بیماری مسری است که مدیران شرکت بزرگ فراملیتی لباس "ملی" را به تن مردم مصرف زده و بدهکار به بانکها می‌پوشانند و از هر تریکو 60 تا هفتاد یورو به جیب خود می‌ریزند. با توجه به تبلیغات برنامه انجام مسابقات فوتبال جام جهانی، می‌توان دید که چه هزینه کلانی از بودجه کشور که از طریق مالیات غارت می‌گردد و به دهان اژدهای کلان که سرمایه داران بزرگ می‌باشند ریخته می‌شود. مخارج ساختن استادیوم های ورزشی در عرض یک سال گذشته ارقام میلیاردی از پول بیکاران و بینوایان آلمان که باید دولت برای آنان خرج کند، پرداخته شده است. این استادیوم های عظیم که سقف آنان با باریدن باران بسته می‌شود و چمن آن در جای دیگر کشت گردیده و مانند قالی بر روی زمین فوتبال پهن می‌کنند. پرده های عظیم 12\*30 متری که دیجیتالی می‌باشند و مسابقات بر روی آن پخش می‌شود. استودیوی وسیع صدا رسانی در سرتاسر استادیوم، طراحی سقف و سرپوشها که از میلیون ها پیچ و مهره، نقاط جوش داده و از اسکلت عظیم حمالهای پولادی می‌باشد و 10 ها هزار قطعه شیشه مخصوص در دل خود قاب نموده، میزهای ذخیره شده برای میلیاردرها که در سالن مجلل در کنار پنجرهای بزرگ و در فضای باز گذاشته اند و حصار های ضد گلوله برای مواقع ضروری بالا می‌آیند، مخصوصا تاسیسات هوا رسانی و گرم کردن جایگاه های مخصوص و پخش پتوهای گرانیقیت در میان عالی جناب ها، رستوران و بارهای مجلل، سالنهای کنفرانس مطبوعاتی، اطاق های شرکتیهای پخش سرتاسری مسابقات که با عظیم ترین دستگاههای برش دیجیتالی و به صورت زمان حال انجام یافته و مستقیم به ماهواره فرستاده می‌شود و مخبرین و مفسرین بازی در اطاقهای ویژه نشسته اند. این بودجه عظیم از جیب کارگران و زحمتکشان پرداخت گردیده است، تا 5 میلیون بیکار را فردا هزینه زندگی آنان را قطع نموده و با حقوق گرسنگی به کار های کثیف در دست برده فروشان نیروی کار آزادانه معامله شوند به سپارند. این است سیاستی که در پشت عربده کشیدن " هی دوچلند" (" زنده باد آلمان") بیان می‌گردد. فوتبال و آجوی تحمیق مدیر کارخانه برای کارگران است. در پشت مصاحبه مطبوعاتی آقای "کلیسمن" که سخنگوی "ملی پوشهای" آلمان هست، تابلوی عظیم تبلیغاتی از شرکتیهای بزرگ آلمانی و دیگر کشورها دیده می‌شود. همه این شرکتیها در تهیه و آمادگی بازی فوتبال بودجه کلانی را بلعیده اند و یا در آمد کلانی را برای بازی به خود اختصاص داده اند.

حال تب خرید تلویزیونهای ال-سی-دی و پلاسما بالا رفته است. تلویزیون خود پرده بزرگ سینما است و هیکل عظیمی دارد و زیاد مصرف برق دارد و بر روی میزی قرار گرفته است. در زیر میز دستگاه ضبط دیجیتالی دی-وی-دی گذاشته شده است. مخارج خرید تلویزیون و دستگاههای ضبط دیجیتالی احتیاج به پول کلان دارد و با گرفتن قرض از بانک بسیاری از خانواده های آلمانی بدهکار به بانک میشوند و در آینده قادر به پرداخت بدهی خود نیستند.

حال لگو و مارکت شرکت سونی، زیمنس، هیتاچی و غیره در پشت سر آقای "کلیسمن" در مصاحبه های مطبوعاتی می‌درخشد. بروی لباس او که به تن کرده اکنون شرکت اتومبیل سازی دمیلر - مرسدس و بی ام دبلیو به چشم می‌خورد. بر روی لباس او اکنون "آ-دی-داس" و "پوما" که وسایل ورزشی را می‌سازند به چشم دیده می‌شود. ای دو شرکت و شرکتیهای دیگر، استثمارگران کودکان برای کار در

اندونزی، ایران، فیلیپین و غیره می باشند. بهای کفش فوتبال که در کنار کورهای عظیم پخت مواد مصنوعی که آب بدن کودکان گرسنه را خشک می نماید، برابر است با سه ماه مزد آنان برای تولید همان کفش و در همان کشور. آیا می دانید در این چه لذتی نهفته است برای تیم فوتبال آلمان، انگلستان... و ایران هورا کشید؟!!

## بازی فوتبال و سرگذشت آن

بازی فوتبال در امر خود یک بازی جمعی بوده و روح همکاری را میان بازیکنان بالا می برد. اگر بر پایه رقابت و توهین بر علیه مردم و گروهی نباشد مترقی بوده و می توان از دیدن آن بازی مانند بازی بسکتبال و والی بال لذت برد، ولی تاریخ فوتبال از همان آغاز خود با خون و خون ریزی آغاز شده است.

ریشه بازی فوتبال در قرن دوازدهم مسیحی می باشد و سرداران جنگجو توپ چرمی دوخته شده را که محتوی آن از گاه پر شده بود و باید از دروازه عبور می دادند و بازیکنان حق نداشتند با دست توپ را هدایت کنند. قرنها طول کشید و بازی فوتبال شکل امروزی خود را پیدا نمود. در سال 1855 اولین کلوب فوتبال به نام اف - سی در شهر شفیلد بریتانیا (واژه سیاسی برای نام انگلستان - سایت ایرانی ما) باز شد. زمانی که کارگران زحمتکش انگلستان کار ریل گزاری را به پایان رساندند، تیمهای بازی فوتبال رو به رشد نهاد و مسابقات کشوری شروع گشت و هواداران تیمهای فوتبال سوار قطار شده و به شهرهای دیگر رفته و در مسابقات شرکت می نمودند.

## مخالفت خدا و پیامبران با بازی فوتبال

همانگونه که جمهوری اسلامی مخالف بازی فوتبال است، مسیحیت هم مخالف بازی فوتبال بود. قدرت کلیسا در دست اسخوف های اعظم که از زمینداران بزرگ بود، قرار داشت و آنان حامی منافع فنودال ها بودند. کلیسا با نفوذ مذهبی بر روی " بردگان " خود که دهقانان و پیشه و ران بودند، توانست باج و جراج بسیاری از آنان گرفته و جنبش های دهقانی را سرکوب کند.

با رشد جمعیت در شهرها و گسترش صنعت در انگلستان، بر نا باوری مردم توسط رد داستان خلقت آدم و هوا توسط دانشمند معروف داروین افزوده گشت. بورژوازی انگلستان به فکر پر کردن جیب خود و استثمار کارگران مشغول بود و هنوز بوی کباب فوتبال که مرکز در آمد برای آنان باشد او را مسخ نکرده بود و تاریخ فوتبال دوران نونهالی خود را طی می نمود. هنوز بر سر وسعت و بزرگی زمین و تعداد بازیکنان و خطاهای بازی اختلافات عظیمی موجود بود.

کارگران انگلستان در طول هفته با ساعات کار زیاد استثمار گشته و تنها یک روز برای آنها باقی می ماند. به این خاطر طبقه کارگر انگلستان فرصتی نداشت که به فکر آخرت باشد و علاقه چندانی برای شرکت در مراسم در کلیسا نداشت و آغاز قرن نوزدهم مشتریان واقعی کلیسا پیر زنان و مردانی بودند و میخواستند با طلب آموزش جایی را در دنیایی که در آینده پس از مرگ موجود نیست، برای خود اختصاص بدهند. جمعیت بسیاری از شهروندان انگلستان به دیدن مسابقات فوتبال رفته و روز یکشنبه به پیک نیک تماشای بازی فوتبال تبدیل می شد. روحانیون کلیسا محروم از گرفتن انعام برای مفتخوری گشته و کسی حال کشیش محل را نمی پرسید. بدین خاطر کشیشان در انگلستان در روز یکشنبه به مو عضه پرداخته و کارگران دعوت به آمدن کلیسا و پرداخت انعام نمودند و خانواده های کارگری می بایست که به کلیسا آمده و در مراسم شرکت کنند. کارگران انگلیسی بعد از کار سخت هفته یک روز یکشنبه را برای رفع خستگی، تفریح نیاز داشتند و بازی فوتبال میان کارگران انگلستان محبوب شد و بسیاری از بازیکنان معروف از کارگران و فرزندان آنان بیرون آمدند. حال این کشیش بود که می بایست جانی برای خود در روز یکشنبه میان تماشاچی ها در استادیوم باز نماید و به دیدن فوتبال مشغول شود!

## وحشی گری بازی در مدارس به خاطر فوتبال

آنزمان مدارس انگلستان در حاکمیت معلمان بود و آنان خود مختار بر سرنوشت خود بودند و دانش آموزان انحصارگر در خشونت بودند. هر زمانی که بازی فوتبال در مدرسه ای در می گرفت ، سر ، کله و پای بسیاری شکسته می شد و خشونت به عنوان یکی از قواعد ارتجاعی در بازی فوتبال در آمد. دانش آموزان بازیگر با فشار و خشونت می بایست با خوردن لگد و هزار توهین توپ را به دروازه تیم مخالف رسانده و گل را وارد دروازه رقیب نمایند.

تیم های فوتبال از سالهای 1863 شروع به تولد نمودند و کلوبهای بسیاری یکی بعد از دیگری ثبت گردید . بریتانیا در آغاز قرن گذشته دارای مستعمرات بسیاری در چهارگوشه جهان داشت و از طریق تلگراف اخبار و مطالب روز ورزشی به مناطق مختلف دنیا مخابره می شد. انگلیسیها بازی فوتبال را در بسیاری از کشورهای جهان رواج دادند.

آبجوفروشی های لندن مرکز دیدار بازیکنان تیم فوتبال با هواداران خود بود و اولین آبجوفروشی که فوتبالیستها در آنجا جمع می شدند، در خیابان "ملکه بزرگ!!!" در لندن قرار داشت و روز اولین تجمع و اولین نشست کلوب در 26 اکتبر سال 1863 می باشد.

هرچند بازی فوتبال از خشونت برخوردار است و همیشه نابرابری اجتماعی در ورزش برای زنان موجود است، علیرغم آن از عمر فوتبال سالهای بسیاری گذشته است و هنوز این تبعیض ها مرسوم است. کلوبهای فوتبال زنان در انگلستان شروع به رشد نمودند و ده ها کلوب زنانه توسط خود آنان ایجاد گردید .

تیم فوتبال "ارسنال ال-اف-سی" از تیمهای فوتبال زنان و با نام، برای باشگاه های اروپا می باشد و شهرت بسیار دارد. تیمهای دیگر زنان در انگلستان "بیرمینگهام سیتی ال-اف-سی"، "بریستول آکادمی"، "چارلتون اتله تیک" و "چل سی ال-اف-سی" را باید نام برد.

از ما گفتن و از شما نشنیدن " تب فوتبال تب خطرناکی است" **شیردل**